

اردشیر دوم ؛ پژواک نجابت در بلندای تاریخ ایران

نامه‌ای به فرزندان سرزمین آریان

در میان هیاهوی پادشاهان جهان‌گشای ایران‌زمین، گاه نام‌هایی آرام‌تر، اما پرمعناتر در دل تاریخ بر جای مانده‌اند؛ چهره‌هایی که نه با شمشیر، که با عقلانیت، نه با هیمنه، که با فروتنی، پایه‌های تمدن را استوار نگاه داشتند. یکی از این نام‌ها، اردشیر دوم، شاهنشاه ساسانی است؛ پادشاهی که هرچند سلطنتش کوتاه بود، اما ژرفای رفتارش، صدایی است که هنوز هم می‌تواند گوش جان آیندگان را بنوازد.

اردشیر، نماد پادشاهی بود که فرّ ایزدی را در فروتنی دید، نه در استیلا؛ شکوه را در ثبات دید، نه در ستیز. او در میانه‌ی دوران حساس پس از شاپور دوم، از خود تصویری ترسیم کرد که بیش از آن‌که سلطنت‌طلب باشد، فرهنگ‌مدار و میهن‌نگر بود.

در مواجهه با بحران ارمنستان، به‌جای خون‌ریزی بی‌حاصل، راهبرد مصالحه‌ی ملی را در پیش گرفت. در برابر اشراف زیاده‌خواه، به جای امتیازدهی، به مردم پناه برد. در سنگ نگاره‌ی طاق بستان، با نگاهی عارفانه، مفاهیم آسمانی پادشاهی را تصویر کرد؛ و در سکه‌هایش، به جای نمایش صرف قدرت، نشان مهر ایرانی را بر فرهنگ نقش زد.

اردشیر را شاید نتوان در زمره‌ی فاتحان پرآوازه آورد؛ اما بی‌تردید، باید او را در صف مردانی دانست که پادشاهی را نه غنیمت، که امانت دیدند. و چه نیکوست که امروز، در سایه‌ی مردانی چنین، نسل امروز ما بازنگری کند در مفهوم قدرت، اخلاق، مشروعیت و ملت.

سرزمین آریان امروز، بیش از هر زمان، به چنین الگویی نیاز دارد: الگویی که قدرت را با عقلانیت، تاریخ را با راستی، و آینده را با مهر پیوند زند.

با احترام و افتخار،

این برگ از تاریخ به پاس «فرزانگی در قدرت»، به سایت سرزمین آریان تقدیم می‌گردد؛

تا شاید نغمه‌ی آرام اردشیر،

در غوغای این روزگار،

یادمان آورد که ایران،

پیش از آن‌که میدان قدرت باشد،

سرزمین فرهنگ است.